

# خصوصی سازی در آموزش عالی: اهداف، روش‌ها، تأمین مالی و تحلیل هزینه

منصور اردشیری\*

تاریخ دریافت ۸۶/۷/۳ | تاریخ پذیرش ۸۶/۱۲/۴

خصوصی سازی پدیده‌ای عمومی و تاریخی است که در نتیجه تغییر بافت فعالیت‌ها، حمایت‌ها و آثار بخش دولتی و خصوصی به وجود می‌آید. در یک تعریف کلی، خصوصی سازی عبارت است از: انتقال و تفویض وظایف دولتی به نیروهای بازار یا به عبارت دیگر مسئول کردن مردم در فعالیت‌های اقتصادی. هدف از این مقاله توضیح و تحلیل فرایند خصوصی سازی در مسیر تداوم و توازن عوامل متعدد دولتی-خصوصی است. در ابتدا اهداف و مهم‌ترین شکل‌های خصوصی سازی در بخش آموزش عالی شامل آزادسازی، دریافت شهریه تحصیلی، انتقال مالکیت، ارائه خدمات آموزشی به وسیله مؤسسات خصوصی و استفاده از روش‌های تجاری بررسی شده و در ادامه به بحث تأمین منابع مالی در آموزش عالی و سرانجام تحلیل هزینه در آموزش عالی پرداخته می‌شود. این مقاله با توجه به اهمیت آموزش و تأثیر فراوان آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز رشد تقاضا برای خدمات آموزشی و محدودیت‌های دولت در این باره، به دنبال تبیین فرایند خصوصی سازی است.

کلیدواژه‌ها: خصوصی سازی؛ آموزش عالی؛ آزادسازی؛ هزینه‌های تحصیلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه.

E-mail: mansour\_ardeshiri@yahoo.com

## مقدمه

نظام آموزش عالی هر جامعه‌ای، یکی از زیرمجموعه‌های آن جامعه محسوب می‌شود. این زیرمجموعه، مانند سایر زیرمجموعه‌ها دارای، کارکرد معینی است. مسلم است، وجود این زیرمجموعه در جامعه زمانی معنا می‌یابد که کارکرد آن بتواند به یکی از نیازهای جامعه پاسخ دهد. در چارچوب مناسبات اقتصادی، آموزش عالی مانند یک کالای اقتصادی، دارای دو بعد عرضه و تقاضاست. عرضه آموزش عالی به استراتژی توسعه بستگی دارد. این امر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مصداق می‌یابد. استراتژی توسعه تعیین می‌کند که چه مقدار از مکان و ظرفیت آموزشی فراهم شود؛ چه نوع آموزشی ترویج شود؛ چه کسی به مکان‌های آموزشی راه یابد و به چه رشته‌های تحصیلی توجه شود. بنابراین، عرضه آموزشی را، باید با معیارهای دیگری - که غالباً اقتصادی هم نیستند - سنجید. به این ترتیب، ابتدا استراتژی توسعه برگزیده شده و سپس درباره آموزش به‌طور اقتصادی بحث می‌شود. به علاوه، بحث درباره دولتی یا خصوصی بودن و تعیین متولی آموزش عالی از دیگر مباحث مطرح درباره عرضه آموزش عالی است. در بعد تقاضای آموزش عالی، بررسی عوامل اقتصادی و غیراقتصادی مؤثر بر تقاضا، از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که تعیین عوامل مؤثر بر تقاضا در شکل‌دهی عرضه آموزش عالی بسیار نقش دارد. برای مثال بررسی تقاضای آموزشی عالی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که اقتصاد، انگیزه اصلی است و فرد انتظار دارد با بالا رفتن سطح آموزش، درآمدش نیز افزایش یابد. از این رو در چارچوب نظریه رفاه مصرف‌کننده، اگر تمام یا بخشی از هزینه آموزشی از فرد گرفته شود نه فقط مازاد مصرف‌کننده کاهش نمی‌یابد؛ بلکه با آزاد کردن بخشی از منابع دولتی و تخصیص آن به بخش‌های دیگر علاوه بر بهبود تخصیص منابع، رفاه جامعه نیز افزایش می‌یابد. از این دیدگاه، آموزش عالی یک

خدمت خصوصی<sup>۱</sup> است؛ زیرا هم مصرف آن تخصیص پذیر و قابل رقابت است و هم برای آن امکان اصل تفکیک پذیری وجود دارد. تولید و عرضه کالا و خدمت خصوصی نیز، مگر در موارد خاص، به وسیله بخش خصوصی انجام می‌گیرد؛ اما در عمل به دلیل اهداف خاص اجتماعی، دولت متولی و عرضه کننده اصلی آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است. در دو دهه اخیر هم‌زمان با رشد انفجار گونه جمعیت، افزایش شهرنشینی، رشد باسوادی، تخصصی شدن مشاغل و نیز ارتقای سطح فرهنگ عمومی، جامعه ایران به یک‌باره با تقاضای روزافزون مردم و جوانان برای ورود به دانشگاه و داشتن تحصیلات دانشگاهی روبه‌رو شده است. در مدت کوتاهی تعادل عرضه و تقاضا به شدت بر هم خورده است و برای مثال تقاضایی چندین برابر امکانات آموزشی کشور در عرصه دادوستد آموزشی نمایان شده است. این تقاضای بسیار گسترده در آموزش عالی، واقعیت کتمان‌ناپذیری بوده و آثار غیرقابل انکاری را نه فقط در صحنه فرهنگی و آموزشی کشور (سطوح قبل و بعد از دانشگاه)، بلکه در صحنه اقتصادی و مدیریتی نیز برجای گذاشته است. این تقاضای فوق‌العاده، هرچند در مواردی امکان رشد و رقابت واحدهای آموزش عالی را به همراه داشته و برنامه‌ریزان را هرگز با چالش و نگرانی نسبت به بی‌استفاده ماندن ظرفیت‌های آموزش عالی مواجه نساخته است؛ اما پاسخ به این تقاضای روزافزون از توان دولت خارج بوده و شرایط مناسبی را برای رشد خصوصی سازی در بخش آموزش عالی کشور فراهم آورده است.

## ۱ خصوصی سازی در آموزش عالی

افزایش جمعیت، رشد تقاضا برای خدمات آموزشی و محدودیت‌های منابع دولتی در امر آموزش عالی همانند سایر موارد موجب شده که دولت‌ها در این حوزه آموزشی، علاوه بر

---

۱. کالا یا خدمت خصوصی، کالایی است که مصرف آن قابل رقابت بوده و منافع آن جنبه ذاتی داشته باشد؛ اما کالای عمومی کالایی است که مصرف آن تخصیص ناپذیر و غیرقابل رقابت است.

بررسی راه‌های دیگر تأمین مالی برای دانشگاه‌های دولتی، به فکر فراهم آوردن شرایط لازم برای رشد و گسترش بخش خصوصی در کنار بخش دولتی باشند. در این بخش برنامه خصوصی سازی - به‌طور عام - و خصوصی سازی در آموزش عالی - به‌طور خاص - بررسی شده و در این باره به تجربه برخی از کشورها اشاره می‌شود.

### ۱-۱ تعریف و اهداف خصوصی سازی

خصوصی سازی در ظاهر عبارت است از: فرایند انتقال وظایف و تأسیسات یک واحد دولتی به یک واحد خصوصی و یا فروش بیش از پنجاه درصد سهام یک مؤسسه دولتی به بخش خصوصی. اما در تعریف عمومی تر - که در این فصل مورد توجه قرار گرفته است - خصوصی سازی عبارت است از: انتقال و تفویض وظایف دولتی به نیروهای بازار. به تعبیر جدید مؤسسات بین‌المللی نیز خصوصی سازی عبارت است از: «مسئول کردن مردم در فعالیت‌های اقتصادی». برای خصوصی سازی می‌توان اهداف عمده ذیل را برشمرد. از جمله این اهداف عبارت‌اند از بهبود و ایجاد رونق اقتصادی در مؤسساتی که اکنون خصوصی شده‌اند، از میان برداشتن تنگناهای روابط میان دولت و مؤسسات ملی شده، افزایش درآمد دولت ناشی از فروش دارایی‌های دولتی به بخش خصوصی، خصوصی سازی وسیله‌ای برای تشویق بخش خصوصی به خرید سهام و تشکیل شرکت‌های سهامی و گسترش رقابت<sup>۱</sup> به‌علاوه، کاهش اندازه بخش دولتی و افزایش کارایی، از اهداف مترتب بر خصوصی سازی شرکت‌های دولتی است.

### ۱-۲ روش‌های خصوصی سازی

روش‌های خصوصی سازی را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

۱. خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت،

۲. خصوصی سازی بدون واگذاری مالکیت.

### ۱-۲-۱ خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت

متداول ترین روش های واگذاری مالکیت بنگاه های دولتی عبارتند از:

- الف) عرضه سهام واحدهای دولتی به عموم مردم از طریق بورس اوراق بهادار،
- ب) عرضه سهام شرکت های دولتی به صورت کلی و جزئی به بخش خصوصی از طریق مذاکره و مزایده،
- ج) فروش دارایی های شرکت های دولتی به مردم و انحلال شرکت های دولتی،
- د) تجدید سازمان و تجزیه واحدهای بزرگ دولتی به واحدهای کوچک تر،
- ه) سرمایه گذاری جدید بخش خصوصی در واحدهای دولتی،
- و) فروش واحدهای دولتی به مدیریت و کارکنان،
- ز) توزیع رایگان یا ارزان قیمت سهام به شهروندان (خصوصی سازی انبوه).

### ۱-۲-۲ خصوصی سازی بدون واگذاری مالکیت

در این روش دولت به واگذاری مالکیت شرکت دولتی تمایلی ندارد؛ اما می خواهد از طریق بهبود روش های عملیاتی و به کارگیری سازوکار بازار، کارایی این واحدها را افزایش دهد. مهم ترین روش ها برای خصوصی سازی بنگاه های دولتی بدون واگذاری مالکیت، عبارتند از:

- الف) پیمان مدیریت (واگذاری مدیریت)،
- ب) قرارداد خدماتی (ارائه خدمات شرکت دولتی به وسیله شرکت خصوصی)،
- ج) قرارداد اجاره (اجاره شرکت دولتی به بخش خصوصی برای مدت معین).

### ۱-۳ خصوصی سازی در بخش آموزش عالی

در ابتدا میان مواضع بخش دولتی و خصوصی در آموزش عالی و یا سایر فعالیت ها و خدمات اجتماعی هیچ وجه تمایز مشهود یا کارایی وجود نداشت. پادشاه، نجیب زاده یا رهبر کلیسای قرون وسطی و رنسانس، میان اموال دولتی یا خصوصی، تمایزی قائل نبود و

مؤسسات مورد حمایت او هم به همان ترتیب، تفکیک‌ناپذیر بودند. دانشگاه‌های وابسته به کلیسا، همانند کلیسا، بخشی از کل یک پیکره، یعنی جامعه بودند. دولت‌های محلی یا بازرگانان متمول، در بخشش ارث و منابع به حوزه آموزش، میان بخش دولتی و خصوصی تمایزی قائل نبودند و طرح پرسش‌هایی از جمله وابستگی صنفی به بخش دولتی یا خصوصی مفهومی نداشت. در قرون اخیر، اروپایی‌ها و برخی از کشورهای دیگر، دانشگاه‌هایی را به‌عنوان یادگار و آثار تاریخی بنا کرده‌اند. دانشگاه «هاروارد» در دویست سال اول تأسیس خود، فقط یک آموزشکده محسوب می‌شد و میان دولتی یا خصوصی بودن تمایزی مرسوم نبود. در آموزش عالی همانند سایر بخش‌ها، تمایز میان بخش دولتی و خصوصی و بحث‌های مربوط به آن بر سه نوع تفکر اساسی مبتنی است:

۱. روشنگری: عصر انقلاب، دموکراسی حقوق و امتیازات و تفاوت‌های فردی را جانشین مفهوم تشکل اجتماعی کرد، و موجبات رشد سازمان‌های نوینی را با تعریف جدید فراهم آورد.

۲. پیدایش نظام سرمایه‌داری نوین: تفسیر آدام اسمیت و جانشینان او مفهومی از بازار آزاد و سازوکارهای آن به‌عنوان ابزارهای انگیزشی و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ارائه داد.

۳. سوسیالیسم: به‌ویژه روشنگری مارکس و انگلس، امکان ایجاد نوع جدیدی را از حکومت مطرح کرد که قسمت عمده حیات اقتصادی و اجتماعی را برای منافع بخش بزرگی از جامعه، آماده می‌کرد.

امروزه، آموزش عالی ممکن است از دیدگاه‌های جدید، مستقل یا وابسته، متنوع در عرضه خدمات، تا حدی تحت نظارت بازار و دولت و کم‌وبیش خصوصی یا دولتی باشد؛ یا چنین تلقی شود.

تمایز میان بخش دولتی و خصوصی، برای اولین بار در قرن نوزدهم در ایالات متحده آمریکا شکل گرفت. دولت دانشگاه‌های ایالتی جدیدی را تأسیس و از نظر مالی تأمین کرد

که با مؤسسات قدیمی به وضوح تفاوت داشتند؛ سایر کالج‌ها و قدیمی‌ترین آنها، خصوصی سازی و استقلال خود را به عنوان بخشی از تلاش‌هایشان برای کسب حمایت و همراهی حوزه‌های انتخابیه متفاوت، از نظر فعالیت‌ها و اهداف رو به افزایش گوناگون، درخواست کردند. واژه دولتی در کشورهای مختلف اروپایی (از انگلستان گرفته تا فرانسه) ممکن است مفهومی کاملاً متفاوت داشته باشد؛ اما در موارد بسیار، مؤسساتی مانند مدرسه عالی اقتصاد لندن و مدرسه عالی علوم سیاسی پاریس که به شکل خصوصی ایجاد شده‌اند؛ بر برتری شیوه دولتی آموزش عالی تأکید داشته‌اند.

در عصر حاضر بسیاری از دولت‌ها در رویارویی با افزایش دائمی هزینه‌های آموزش عالی، برای کاهش فشار این بار تحمیل شده بر بودجه عمومی و احتمالاً افزایش کارایی اجتماعی و اقتصادی آموزش عالی، به تأیید و تشویق رشد بخش خصوصی پرداخته‌اند، و در راه ایجاد بخش خصوصی منطبق بر محور شیوه‌های متداول در بازار، از جمله اخذ هزینه‌های تحصیلی، فروش کالا و خدمات و تشویق فعالیت‌های نوع دوستانه فردی و جمعی، گام برداشته‌اند.

امروزه به دلیل مناسبات متعدد و به هم تنیده بخش دولتی و خصوصی در حوزه آموزش عالی، به سختی می‌توان گفت که دانشگاه‌هایی کاملاً خصوصی یا کاملاً دولتی وجود دارند. ممکن است مؤسساتی که از اعتبارات دولتی استفاده می‌کنند؛ دارای هیئت‌رئیس یا هیئت‌امنای غیردولتی بوده و یا مؤسساتی که از بخش خصوصی تأمین مالی می‌شوند؛ دارای مقررات و قوانین دولتی باشند. همچنین ممکن است دانشگاه‌های دولتی با برقراری شهریه و اخذ هزینه‌های آموزشی، موجب تشویق بازار آزاد عرضه و تقاضا شوند.<sup>۱</sup> جیگر،<sup>۲</sup> مناسب‌ترین توصیف را مبنی بر تحلیل و طبقه‌بندی فعالیت‌های آموزش عالی در دو بخش دولتی و خصوصی ارائه کرده است:<sup>۳</sup>

۱. د. ر. تونز، ۱۳۷۲، ص ۱۸۵.

2. Geiger

۳. همان، ص ۱۸۶.

«آنجا که آموزش عالی دولتی از حیث قلمرو و تا حدودی گزینش، محدود می‌شود، بخش‌های خصوصی به عنوان مؤسساتی برای پاسخ‌گویی به تقاضاهای اجتماعی عمومی گام پیش می‌نهند. به این ترتیب «بخش خصوصی عمومی» شکل گرفته و معمولاً اکثر پذیرفته‌شدگان را در آموزش عالی کشور در برمی‌گیرد و آنجا که مؤسسات آموزشی دولتی و خصوصی از موقعیت و نقش مساوی برخوردارند، هر دو بخش به «موازات» هم در حرکت‌اند و آنجا که دولت برتری بخش دولتی را در برآوردن نقش‌های اصلی آموزش عالی برمی‌گزیند؛ سهم مؤسسات خصوصی به ایفای نقش‌های حاشیه‌ای محدود می‌شود و آنجا که دولت به عمد تدارک آموزش عالی را به بخش کوچکی از کل تقاضا محدود می‌کند؛ وظیفه اصلی بخش خصوصی، بیشتر به فراهم کردن آموزش عالی برای پاسخ‌گویی به تقاضای عمومی مازاد محدود می‌شود و آنجا که گروه‌بندی‌های فرهنگی در جامعه برای تأسیس مؤسسات آموزشی هم‌عرض و جداگانه تحت نظارت خودشان، از نفوذی برخوردار باشند؛ بخش خصوصی از نظر فرهنگی، سنت‌های متفاوتی را در بر خواهد گرفت و سرانجام آنجا که دولت تلاش کند تا در آموزش عالی فراهم‌کننده اصلی باشد؛ احتمالاً فقط گوشه‌های خالی برای مؤسسات خصوصی باقی می‌ماند تا بتوانند در خدمت آن اقلیت‌هایی قرار گیرند که متقاضی و طرفدار شکل‌های مشخصی از آموزش عالی هستند.»

### ۱-۳-۱ اهداف خصوصی‌سازی در آموزش عالی

مهم‌ترین اهدافی که ضرورت خصوصی‌سازی آموزش عالی را توجیه می‌کند عبارتند از:

- الف) افزایش کیفیت آموزش عالی،
- ب) ارضای نیازهای متنوع فراگیران (دانشجویان)،
- ج) تنوع در محتوای آموزشی،
- د) تنوع در روش‌های عرضه مطالب،



ه) کاهش فشار ناشی از انتظار مردم از دولت،

و) استحکام بیشتر نظام آموزش عالی.

به طور کلی، دلایل طرفداران خصوصی سازی مراکز آموزش عالی، بر محور توجه بیشتر به مواردی از جمله تنگناهای آموزشی، نرخ رشد جمعیت متقاضی آموزش، عدم تناسب هزینه های آموزشی با نرخ رشد جمعیت متقاضی، افت کیفی در مراحل تحصیلی، افزایش یارانه مربوط به آموزش طبقه فقیر جامعه از راه کاهش هزینه آموزش مربوط به افراد طبقه مرفه جامعه، شکوفایی استعداد بالقوه جامعه در بخش های فرهنگی، اجتماعی و نظایر آن و حذف تشکیلات غیرضروری و کاهش حجم دولت در بخش آموزش استوار است.

از سوی دیگر، یکی از دلایل اصلی خصوصی سازی در آموزش عالی، فوایدی است که می تواند برای افراد ایجاد کند. آموزش عالی دو نوع فایده مستقیم و غیرمستقیم دارد. فواید مستقیم (بازده فردی) عبارتند از: افزایش درآمد، ایجاد شغل و سطح رفاه مادی فرد و غیره. فواید غیرمستقیم (بازده اجتماعی)، عبارت است از فوایدی که آموزش عالی به طور غیرمستقیم برای افراد و جامعه در پی دارد، مانند رفاه اجتماعی، ارتقای سطح فرهنگ، تغییر رفتار فردی و جمعی و نظایر آن. از نظر اندیشمندان طرفدار نظریه خصوصی سازی، از آنجا که بیشترین فایده آموزش عالی، فایده مستقیم (بازده فردی) است؛ بنابراین کسانی که از این فواید بهره مند می شوند؛ باید هزینه دسترسی به آن را نیز بر عهده گیرند و دولت موظف به تقبل این هزینه نیست. تحقیقات نشان می دهد که بازدهی اجتماعی، همیشه نسبت به بازدهی خصوصی آموزش عالی، در سطح پایین تری قرار دارد.<sup>۱</sup> در بحث (تحلیل هزینه فایده)<sup>۲</sup> عقیده بر این است که چون بیشترین بازده آموزش عالی، بازده فردی است نه بازده اجتماعی؛ از این رو کسانی که فایده فردی بیشتری می برند؛ باید هزینه بیشتری نیز پرداخت کنند. مطالعات در ایران نیز نشان می دهد که نسبت بازدهی خصوصی به بازدهی

---

۱. جرج ساخاروپولوس، مورین و ودهان، ۱۳۷۳، ص ۸۳.

اجتماعی در سطوح مختلف آموزش عالی از یک بیشتر است.<sup>۱</sup>

## ۲-۳-۱ انواع خصوصی سازی در آموزش عالی

مهم ترین انواع خصوصی سازی در آموزش عالی عبارتند از:

### الف) آزادسازی<sup>۲</sup>

آزادسازی عبارت است از ایجاد رقابت در فعالیتهایی که از امتیازات انحصاری برخوردار بوده و مورد حمایت نیز قرار داشته اند. آزادسازی به طور لزوم شامل انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی نیست و بیشتر به ایجاد رقابت میان مؤسسات دولتی و خصوصی می پردازد. هدف اصلی آزادسازی کاهش عدم کارایی رایج در انحصارهای دولتی و خصوصی بوده<sup>۳</sup> و یکی از روش های آزادسازی، اعطای حواله های آموزشی است. این سیستم در سال ۱۹۹۱ در برخی از مناطق انگلستان درباره آموزش های فنی و حرفه ای اجرا شد و به دانشجویان علاقه مند به کسب آموزش، کوپن هایی داده می شد تا به انتخاب خود، در هر مؤسسه ای که مایلند ثبت نام کنند. به این ترتیب، اعتبارات دولتی نه فقط به تعداد مشخصی از دانشجویان در هر سال تعلق نمی گرفت؛ بلکه در اختیار مؤسسات نیز قرار نداشت. بنابراین مؤسسات آموزشی باید برای جیب دانشجویان و دریافت کوپن های آنان، در یک بازار رقابتی باهم به رقابت می پرداختند.<sup>۴</sup>

### ب) شهریه تحصیلی

«شهریه» یا «هزینه تحصیلی» وجهی است که دانشجویان یا خانواده آنها و یا کارفرمایان، در برابر خدمات آموزشی پرداخت می کنند. خصوصی سازی از طریق دریافت شهریه، در

۱. حسین رضوی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۳.

2. Liberation

۳. گرنج جونز، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱.

۴. همان، ص ۱۰۲.

ساده‌ترین شکل، به این معناست که دانشجویان وجه معینی را در برابر خدمات آموزشی بپردازند تا مؤسسات آموزشی با اتکا بر این درآمد و یا دیگر منابع اعتباری، عایداتی کسب کنند و آنها را از زیر بار فشارهای مالی برهانند. با توجه به مزایای شخصی آموزش عالی، برای افراد و فرصت‌های نابرابر برتری اجتماعی-اقتصادی حاصل از آن، از نظر بیشتر مالیات‌دهندگان که هزینه‌های آموزش عالی را متحمل می‌شوند ولی به‌طور شخصی از مزایای آن بهره نمی‌برند؛ پرداخت شهریه، تدبیری عادلانه به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup>

### ج) انتقال مالکیت

انتقال مالکیت از بخش دولتی به خصوصی، در متداول‌ترین روش عبارت است از: فروش سهام مؤسسات دولتی به عموم. این روش علاوه بر تأمین منابع برای دولت، با هدف افزایش کارایی واحدهای دولتی انجام می‌شود.

### د) روش تجاری

در این روش، تمام هزینه‌های ارائه خدمات آموزشی از متقاضیان وصول می‌شود. این روش گامی است به سوی عملیات تحت هدایت بازار و تولید خدمات آموزشی فقط به قصد فروش انجام می‌شود و نه به‌منظور قابل فروش بودن. در حقیقت یک خصوصی‌سازی قابل توجه در آموزش عالی، ایجاد و راه‌اندازی مؤسسات آموزشی جامع به‌وسیله شرکت‌های مهم صنعتی و بازرگانی و با هدف پیشبرد فعالیت‌ها و آموزش کارکنان آن‌هاست. از دیگر فعالیت‌های روش تجاری خصوصی‌سازی در آموزش عالی عبارت است از سازماندهی فعالیت‌های عرضه مهارت‌های آموزشی، مشاوره‌ای و تحقیقاتی مؤسسات آموزش عالی، تأسیس دفاتر و بخش‌های مربوط به توسعه، نظارت، بازاریابی، فروش خدمات فکری کارکنان دانشگاه و تأسیس شرکت‌های تجاری وابسته برای فروش

ذخایر فکری (مانند چاپخانه‌های دانشگاه‌ها).<sup>۱</sup>

ه) تشویق ارائه خدمات آموزش عالی به وسیله مؤسسات خصوصی سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، چندان مورد استقبال بخش خصوصی قرار نمی‌گیرد و علت آن وجود دو ویژگی عمده در فعالیت‌های مربوط به ارائه خدمات آموزش عالی است. این دو ویژگی عبارتند از:

۱. سرمایه‌بر بودن آموزش بعضی از رشته‌ها، مانند رشته‌های گروه پزشکی و برخی از رشته‌های مهندسی. تأمین سرمایه مورد نیاز این رشته‌ها از توان بسیاری از عاملان خصوصی خارج است.

۲. پایین بودن سطح تقاضا برای رشته‌های علوم پایه و برخی رشته‌های علوم انسانی؛ به دلیل پایین بودن بازدهی خصوصی این رشته‌ها نسبت به سایر رشته‌ها، حداقل در سطح کارشناسی، سبب می‌شود بخش خصوصی نتواند علاوه بر حفظ پوشش وسیع، قیمت مناسب و سودآوری را حفظ کند. این امر خود موجب می‌شود سودآوری سرمایه‌گذاری پایین بوده و با توجه به پایین بودن هزینه آموزش در این زمینه‌ها، بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی خودداری کند.<sup>۲</sup> این ویژگی خاص آموزش عالی موجب می‌شود که بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی در شرایط عدم مزیت رقابتی قرار گیرد. با چنین اوضاعی برداشتن موانع از سر راه فعالیت بخش خصوصی، خود نوعی خصوصی‌سازی به حساب می‌آید. زیرا در جامعه زمینه انتقال فعالیت‌ها از بخش دولتی به بخش خصوصی فراهم می‌شود. «آن هنگام که مقدار اولیه کالای خصوصی توسط دولت عرضه می‌شود و نیز جایی که افراد مصرف‌کننده، مایل به تأمین مابقی نیاز خود از طریق بخش خصوصی هستند، تشویق ارائه خصوصی آموزش، روش مناسبی برای خصوصی‌سازی

۱. همان.

۲. محمدسعید نوری‌نائینی، ۱۳۷۳، ص ۷۴.

\_\_\_\_\_ خصوصی سازی در آموزش عالی: اهداف، روش‌ها، تأمین مالی و تحلیل هزینه ۳۶۱

به حساب می‌آید.<sup>۱</sup> پرداخت یارانه به مؤسسات آموزشی، معافیت‌های مالیاتی، خرید نیازهای کالایی و خدماتی دانشجویان بخش دولتی از بخش خصوصی و طرح حواله‌ای،<sup>۲</sup> از جمله روش‌های متداول تشویق بخش خصوصی به فعالیت در حوزه آموزش عالی است.

### ۳-۱-۳ تجربه کشورها در خصوصی سازی آموزش عالی<sup>۳</sup>

دو کشور ژاپن و استرالیا مثال‌های جدید خصوصی سازی در مقیاس بزرگ در میان نظام‌های آموزش عالی پیشرفته هستند. در این بخش به اختصار به تجربه این دو کشور در این باره پرداخته می‌شود.

#### الف) ژاپن

آموزش عالی خصوصی در ژاپن در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بسیار رشد کرد. مؤسسات آموزش عالی متکی به دریافت شهریه، در رقابت با یکدیگر برای کسب موقعیت و پول بیشتر، بسیار سریع تر رشد کردند. در نتیجه در اواخر دهه ۱۹۶۰ مؤسسات خصوصی با وجود دریافت شهریه‌های گزاف، نسبت به بخش دولتی، استانداردی پایین تر و اغلب اسفناک داشتند. در پی ورشکستگی مالی و گاهی فکری قسمت بزرگی از بخش خصوصی، اعتراضات شدید دانشجویی و نارضایتی گسترده عمومی درباره شهریه افزایش یافت و دولت ناگزیر به مداخله شد. بدیهی است مداخله مالی دولت، وضع مقررات را نیز به دنبال داشت. رعایت حداقل مقررات و استانداردها در برابر دریافت کمک‌های نقدی دولتی، همراه با اعتبارات واقعی، مانع افت استانداردها و موجب بقای حیات مالی قسمت عمده بخش خصوصی شد. به تدریج در برنامه‌ریزی‌های دولتی مربوط به امور آموزشی و اجتماعی، بخش خصوصی به حساب آورده شد. در ابتدا مؤسسات خصوصی آموزش عالی ژاپن به صورت

۱. گرت جونز، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱.

2. Voucher System

۳. در. تونز، ۱۳۷۲، ص ۱۸۸.

کوچک و تک‌منظوره فعالیت خود را آغاز می‌کنند؛ اما رقابت، یک سلسله‌مراتب وسیع و به دقت شناخته شده‌ای را از مؤسسات آموزشی در ژاپن به وجود آورده است.

#### ب) استرالیا

خصوصی‌سازی در استرالیا در دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و از این دهه به بعد بیشتر مؤسسات عمده آموزش عالی به فعالیت‌های توسعه‌ای و بازاریابی برای ذخایر فکری و محصولات حاصل از آن می‌پردازند. در برخی موارد این فعالیت‌ها با مشارکت بخش تجارت و صنعت انجام می‌گیرد. از جمله، این فعالیت‌ها عبارتند از: جذب دانشجویان خارجی (به‌ویژه از مناطق آسیای جنوب شرقی) و بازاریابی برای برنامه‌های درسی در سرتاسر منطقه آسیا-اقیانوسیه. در سال‌های اخیر دولت برای کاهش هزینه‌های آموزش عالی، طرحی با عنوان «طرح مشارکت در آموزش عالی» به اجرا گذاشته است که براساس این طرح، شهریه دانشجویان داخل با تأخیر و در آینده به نسبت درآمد از طریق افزایش مالیات بر درآمد پرداخت می‌شود.

#### ۴-۳-۱ خصوصی‌سازی در آموزش عالی ایران

اولین و مهم‌ترین تجربه خصوصی‌سازی در بخش آموزش عالی ایران با تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی همراه بوده است. دانشگاه آزاد اسلامی که در سال ۱۳۶۱ تأسیس شده با قدمتی حدود یک ربع قرن، بزرگ‌ترین و با سابقه‌ترین تجربه ارائه خدمات آموزش عالی غیردولتی در ایران است. هزینه دانشگاه آزاد، از طریق شهریه دانشجویان تأمین می‌شود. این دانشگاه کار خود را با تعداد ۳ هزار دانشجو آغاز کرد و توانست در مدت کوتاهی در بسیاری از شهرها، واحدهایی ایجاد کند. تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد در سال ۱۳۷۰ به ۲۲۳ هزار نفر، در سال ۱۳۷۵ به ۶۱۳ هزار نفر و در سال ۱۳۸۴ به ۱۱۹۸ هزار نفر رسید و واحدهای این دانشگاه در بیش از ۱۴۰ شهر ایران گسترده شده و کمتر شهری با جمعیت بالای ۵۰ هزار نفر را می‌توان یافت که در آن یک واحد دانشگاه آزاد وجود نداشته باشد. این آمار خود گویای یک موفقیت قابل توجه در عرضه خدمات آموزش عالی به‌وسیله

\_\_\_\_\_ خصوصی سازی در آموزش عالی: اهداف، روش ها، تأمین مالی و تحلیل هزینه ۳۶۳

بخش غیردولتی و حمایت و استقبال خانوارهای ایرانی از آن است. بررسی های انجام شده نشان می دهد که دانشگاه آزاد اسلامی با اتکای ۹۵ درصدی به شهریه، یک دانشگاه شهریه محور است؛ یعنی تمام هزینه های سرمایه ای و جاری دانشگاه آزاد اسلامی از محل اخذ شهریه از دانشجویان تأمین مالی می شود و این به آن معناست که این دانشگاه با استفاده از منابع جامعه، بخشی از تقاضای بالقوه آموزش عالی را بالفعل کرده و موجب ارتقای سطح عمومی دانش در کشور شده است.

## ۲ تأمین مالی آموزش عالی

امروزه تأمین مالی آموزش عالی به دلیل تقاضای فزاینده از یک سو و از سوی دیگر محدودیت عمومی منابع مالی این بخش، با مشکل مواجه شده است. این روند در چند سال اخیر در کشورهایی که دولت تأمین مالی آموزش عالی را بر عهده داشته، به دنبال کاهش منابع در دسترس بخش آموزش عالی، در بسیاری از کشورها، برای تدارک منابع مالی جدید و تنوع بخشیدن به آن، روش های مختلفی مطرح شده است. در این بخش روش های مختلف تأمین منابع مالی دانشگاه ها در سطح جهان، بررسی می شود.

### ۲-۱ روش های تأمین مالی در آموزش عالی

منابع تأمین مالی آموزش عالی را براساس گروه های ذی نفع می توان به چهار گروه تقسیم بندی کرد:

۱. خانوارها (دانشجویان یا والدین آنها)،
۲. مؤسسات (خریداران خدمات آموزشی و پژوهشی)،
۳. دولت به نمایندگی از جامعه (بازده اجتماعی آموزش عالی)،
۴. افراد خیر و بنگاه های خیریه.

منابع مالی تأمین شده از این گروه ها به دو شکل کلی تأمین مالی دانشجویان و تأمین

مالی مستقیم مؤسسات آموزش عالی، به فعالان آموزش عالی انتقال می‌یابد.<sup>۱</sup>

#### الف) تأمین مالی دانشجویان

متداول‌ترین روش انتقال منابع مالی از دانشجویان به مؤسسات آموزش عالی (صرف‌نظر از هدایا، وقف و کمک‌های فارغ‌التحصیلان) از طریق شهریه و به دو شکل شهریه ثابت و متغیر انجام می‌شود. در کشورهای مختلف، تجارب شهریه متفاوت است. در بعضی کشورها مؤسسات آموزش عالی اصولاً شهریه دریافت نمی‌کنند، در بعضی از آنها شهریه دریافتی کل هزینه‌ها را می‌پوشاند و در بعضی دیگر این گونه نیست؛ اما در بیشتر کشورها به‌همراه دریافت شهریه، برنامه‌های کمک دانشجویی نیز تدارک دیده شده است.<sup>۲</sup> حمایت‌های مالی از دانشجویان به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود: کمک دانشجویی و وام دانشجویی. روش‌های مختلفی در هر یک از این گروه‌ها وجود دارد و هر کشوری با توجه به شرایط خاص خود، ترکیبی از کمک و وام دانشجویی برگزیده است. سیاست‌های حمایتی دانشجویان از نظر منبع مالی، شیوه پرداخت، ملاک‌های استحقاق و نحوه بازپرداخت، طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند و در کشورهای مختلف مبلغ کمک‌ها متفاوت است. از دیگر روش‌های تأمین مالی دانشجویان، تدارک مشاغل دانشجویی و برنامه‌های کار و تحصیل بوده که این خود مستلزم حمایت دولت و برقراری ارتباط مستمر و پویا میان بخش آموزش عالی و سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی است.<sup>۳</sup>

#### ب) تأمین مالی مستقیم مؤسسات آموزش عالی

تأمین مالی مستقیم مؤسسات آموزش عالی را می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم‌بندی کرد: پرداخت‌های انتقالی، درآمدهای جاری و وام. گروه پرداخت‌های انتقالی عبارت است از

۱. معصومه قارون، ۱۳۷۵، ص ۹۹.

۲. همان، ۱۳۷۵.

۳. غلامحسین خورشیدی، ۱۳۸۳، ص ۶۸.



کمک های بلاعوض غیرمستمر (مانند پرداخت های انتقالی دولت و بخش خصوصی به صورت هدایا و اعانات)، اعتبارات سرمایه ای دولتی، معافیت های مالیاتی و کمک های سازمان ها و مؤسسات بین المللی در راستای تحقق اهداف مختلف.

گروه درآمدهای جاری مؤسسات آموزش عالی عبارتند از: شهریه، درآمد خوابگاه ها، غذاخوری ها، فروش ملزومات و کتب، قراردادهای آموزشی و پژوهشی و درآمد حاصل از فعالیت های تجاری. موفقیت دانشگاه ها در دستیابی به این گونه منابع (به ویژه قراردادهای آموزشی و تحقیقاتی) به توان پژوهشی، امکانات و تجهیزات آنها بستگی دارد. دستیابی به دارایی های وقفی، روش دیگر تأمین منابع مالی به وسیله مؤسسات است که در آن با حفظ اصل اموال هدایی و ایجاد درآمد از آنها، می توان ذخیره ای احتیاطی برای مقابله با نوسانات یا کاهش شدید درآمدهای معمول، تدارک دید.<sup>۱</sup>

آخرین روش تأمین مالی مؤسسات، استفاده از بازارهای اعتباری و سرمایه گذاری های مالی است. بهره گیری از بازده سرمایه گذاری های مالی، مستلزم وجود منابع مالی آزاد در دانشگاه یا مؤسسه است. استفاده از این روش برای مؤسساتی امکان پذیر است که هدایای نقدی و غیرنقدی زیادی جلب می کنند. از این رو، این نوع منابع مالی سهم کمتری از درآمد دانشگاه ها را به خود اختصاص می دهند و در سطح جهان نیز تعداد معدودی از دانشگاه های بزرگ و سرشناس از آن استفاده می کنند. استفاده از بازار اعتبارات از جمله وام یا انتشار اوراق قرضه، خود مستلزم برخورداری از پشتوانه مالی قوی است.

### ۳ تحلیل هزینه در آموزش عالی

تحلیل هزینه در آموزش عالی کاربردهای متعددی دارد. برای مثال انجام تحلیل های هزینه فایده<sup>۲</sup> و اثربخشی<sup>۳</sup> متکی به انجام تحلیل هزینه است. به علاوه تحلیل هزینه می تواند

۱. همان، ص ۷۰.

2. Cost-benefit Analysis

3. Cost-effectiveness Analysis

هزینه‌های متصور برای اتخاذ هر نوع سیاست یا انجام هر نوع اصلاحات آموزشی را ارزیابی کرده و درجه به کارگیری منابع را تشخیص دهد. همچنین تحلیل هزینه در پیش‌بینی و آینده‌نگری درباره تدارک منابع مالی لازم برای انجام فعالیت‌های آتی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ۳-۱ تحلیل هزینه در مؤسسات آموزش عالی

مؤسسات آموزش عالی به افراد، آموزش تکمیلی ارائه داده و سطح دانایی و تحصیلات را افزایش می‌دهد. از این رو فرایند یاددهی-یادگیری در یک مؤسسه آموزشی، متناظر با فرایند تولید در یک واحد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. این مسئله موجب می‌شود که از ابزار تحلیلی نظریه بنگاه (تابع هزینه<sup>۱</sup> و رابطه هزینه<sup>۲</sup>) برای تحلیل رفتار مؤسسه آموزشی استفاده شود. در تحلیل هزینه و ساختار آن در یک مؤسسه آموزشی، دو رویکرد کلی وجود دارد: اول اینکه آموزش یک فرد در یک دوره آموزشی معین یا ارائه یک واحد آموزشی مشخص، چه هزینه‌ای بر آن مؤسسه تحمیل می‌کند؟ و دوم اینکه هر یک از نهادهای تولید خدمات آموزشی چه سهم و نقشی در هزینه مؤسسه دارند؟ برای رویکرد اول از تابع هزینه و برای رویکرد دوم از رابطه هزینه استفاده می‌شود.<sup>۳</sup>

#### ۳-۱-۱ تابع هزینه

تابع هزینه یک رابطه جبری است که ارتباط میان آموزش (ستاده مؤسسه آموزشی) و هزینه‌ها را تعیین می‌کند. رابطه  $C = f(s)$  شکل کلی تابع هزینه است که در آن  $s$  ستاده آموزشی و  $C$  هزینه لازم برای تولید این ستاده است. تابع هزینه ممکن است خطی یا غیرخطی باشد. تابع زیر یک تابع خطی هزینه برای مؤسسه آموزشی است:

1. Cost Function
2. Cost Equation

۳. ابوالقاسم نادری، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲.

$$C = a_0 + a_1s \quad (1)$$

این تابع نشان می دهد که با افزایش یک واحد ستاده آموزشی، هزینه کل معادل  $a_1$  (هزینه نهایی) افزایش می یابد. در تابع های غیرخطی هزینه (تابع زیر) میزان افزایش در هزینه نهایی به سطح تولید وابسته است. در این توابع در سطوح پایین تولید، میزان افزایش در هزینه ناشی از یک واحد اضافی ستانده، کمتر از میزان افزایش هزینه در سطوح بالای تولید خدمات آموزشی کمتر خواهد بود.

$$C = a_0 + a_1s + a_2s^2 + a_3s^3 \quad (2)$$

هزینه متوسط (AC)<sup>۱</sup> و هزینه نهایی (MC)<sup>۲</sup> از مفاهیم مهم و اساسی تحلیل هزینه مؤسسات آموزشی هستند.

هزینه متوسط، هزینه هر واحد ستاده آموزشی است و از تقسیم کل هزینه ها بر ستاده های آموزشی به دست می آید. هزینه متوسط متغیر و هزینه متوسط ثابت، اجزای هزینه متوسط هستند. هزینه نهایی، هزینه تولید آخرین واحد ستاده آموزشی است. یعنی، افزایش در هزینه تولید به ازای آخرین واحد تولید. هزینه نهایی در مقایسه با هزینه متوسط در سطح ستانده یا مقیاس تولید کمتری، به حداقل خود می رسد. هزینه نهایی در نقطه حداقل هزینه متوسط، با آن یکسان است. همچنین این نقطه معیار اصلی تعیین وضعیت بازدهی به مقیاس<sup>۳</sup> است. یعنی چنانچه مقیاس تولید در مراحل قبل از این نقطه باشد؛ افزایش سطح تولید به کاهش هزینه متوسط تولید می انجامد و این گونه تعبیر می شود که بازده به مقیاس صعودی وجود دارد. از این رو با جذب دانشجوی بیشتر، هزینه کاهش یافته و نفع بیشتری عاید مؤسسه آموزشی می شود. نقطه حداقل منحنی هزینه متوسط بیانگر بازده به مقیاس ثابت و ناحیه

- 
1. Average Cost
  2. Marginal Cost
  3. Returns to Scale

صعودی منحنی متوسط، نشان‌دهنده بازده به مقیاس نزولی است.<sup>۱</sup> با توجه به این مفاهیم و از طریق ارزیابی و تخمین تابع، هزینه کل، متوسط و نهایی یک مؤسسه آموزشی، می‌توان اطلاعات مفیدی برای تصمیم‌گیری‌های آموزشی استخراج کرد.

### ۳-۱-۲ رابطه هزینه

رابطه هزینه، ارتباط میان میزان و قیمت نهاده‌ها را با هزینه کل نشان می‌دهد. هدف اصلی تحلیل‌های هزینه با استفاده از رابطه هزینه، درحقیقت ارزیابی سهم و نقش نهاده‌های تولید در هزینه‌های آموزشی است. به‌علاوه، از طریق رابطه هزینه می‌توان حداقل هزینه در سطح معینی از تولید و یا حداکثر ستانده با سطح معینی از هزینه را ارزیابی کرد. یکی از ساده‌ترین اشکال رابطه هزینه، رابطه زیر است که در آن  $L$  نهاده نیروی کار و  $O$  سایر عوامل است.

$$TC = C_0 + c_1L + c_0O \quad (۳)$$

در این رابطه،  $c_1$  قیمت نهاده نیروی کار،  $c_0$  قیمت سایر نهاده‌ها و  $C_0$  هزینه ثابت تولید خدمات آموزشی است. در شرایط رقابتی فرض بر این است که قیمت عوامل آموزشی به‌وسیله بازار تعیین می‌شود و از این‌رو مؤسسه آموزشی «پذیرنده قیمت» است و اما میزان به‌کارگیری عوامل تولید برای مؤسسه آموزشی، «متغیر تصمیم» است که به‌وسیله مدیران مؤسسه آموزشی تعیین می‌شود.

### ۳-۲ عوامل تعیین‌کننده هزینه‌های تحصیلی در مؤسسات آموزشی

«اندازه مؤسسه»، یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده هزینه‌های تحصیلی است و برای یک مؤسسه آموزشی، هزینه‌های کلی عبارتند از: هزینه‌های ثابت و هزینه‌های متغیر. در دانشگاه‌ها هزینه ساختمان، تجهیزات تخصصی و کتابخانه‌ها، اقلام عمده هزینه‌های ثابت را

۱. برای تحلیل و توضیح بیشتر درباره ساختار هزینه‌ها به کتب اقتصاد خرد مراجعه شود.

تشکیل می‌دهد. با تقسیم هزینه‌های ثابت میان تعداد بیشتری از دانشجویان، سهم هر دانشجو از هزینه ثابت کاهش خواهد یافت. به بیان دیگر، در مؤسساتی که هزینه‌های ثابت بیشتر است، می‌توان با پذیرش دانشجویان بیشتر (تا حد معینی) در هزینه‌های ثابت صرفه‌جویی کرد. اگر اندازه یک مؤسسه آموزشی از حد معینی بزرگ‌تر شود، ممکن است صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، کاهش یابد.<sup>۱</sup>

وجود صرفه‌جویی و یا عدم صرفه‌جویی ناشی از مقیاس، هر دو به این واقعیت اشاره دارند که می‌توان یک اندازه بهینه (و یا یک محدوده بهینه) برای مؤسسات آموزشی تعریف کرد. درباره اندازه بهینه در مؤسسات آموزش عالی مطالعاتی انجام شده است. «لیارد» و «وری»<sup>۲</sup> شواهدی به دست آورده‌اند که وجود صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس قابل توجهی را در دانشگاه‌ها تأیید می‌کند. آنها با فرض یک تابع هزینه کل خطی، هزینه کل (C) در هر رشته را تابعی خطی از تعداد دانشجویان دوره کارشناسی ( $Q_1$ )، تعداد دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکترا ( $Q_2$ ) و معیاری از فعالیت‌های پژوهشی (R) تعریف می‌کنند:<sup>۳</sup>

$$C = a_0 + a_1 Q_1 + a_2 Q_2 + a_3 R \quad (۴)$$

در معادله (۴) هزینه‌های ثابت هر رشته برابر با  $a_0$  و هزینه نهایی هر دانشجوی دوره کارشناسی، ثابت بوده و برابر با  $a_1 = \frac{\partial C}{\partial Q_1}$  است. اگر مقادیر  $Q_2$  و R مشخص باشد، هزینه متوسط هر دانشجوی دوره کارشناسی با افزایش  $Q_1$  کاهش می‌یابد و مقدار آن از رابطه ذیل حاصل می‌شود:

۱. گرت جونز، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲.

2. Layard and Verry

۳. همان، ص ۱۳۸.

$$AC = a_1 + \left( \frac{a_0 + a_2 Q_2 + a_3 R}{Q_1} \right) \quad (5)$$

«لیارد» و «وری» پارامترهای  $a_0$ ،  $a_1$ ،  $a_2$  و  $a_3$  را با کمک روش حداقل مربعات وزنی و با استفاده از داده‌های مقطعی برای سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۶۹ برآورد کردند. این تحلیل برای شش رشته عمده تحصیلی انجام شده و هر دانشگاه نمایانگر اطلاعات مربوط به خود در هریک از شش برازش رگرسیون است. این تحلیل اندازه نمونه‌ای میان ۴۲ تا ۵۷ را ارائه می‌دهد. نتایج تحقیقات «لیارد» و «وری» نشان می‌دهد که هزینه‌های ثابت سالانه از یک رشته تحصیلی به رشته دیگر، تفاوت قابل توجهی دارد. برای مثال، این تغییرات برای علوم فیزیک، بی‌اهمیت، اما برای علوم اجتماعی معنادار است. همچنین افزایش هزینه‌های مربوط به ثبت‌نام یک دانشجوی اضافی در یک درس نیز بر حسب رشته تحصیلی متفاوت است. اما ویژگی خطی منحنی هزینه کل ایجاب می‌کند که هزینه نهایی نسبت به تعداد دانشجویان ثبت‌نام شده در هر درس ثابت باقی بماند. برای تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا)، هزینه نهایی به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد.<sup>۱</sup>

«اوسبورن»<sup>۲</sup> روش «لیارد» و «وری» را با تلفیق اطلاعات سری زمانی و داده‌های مقطعی برای ۳۰ مؤسسه آموزش عالی در انگلستان بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۶ تکرار کرده است. تابع هزینه کل برآورد شده به شکل زیر است:

$$C = 4464834 + 3194Q \quad (6)$$

در این رابطه  $Q$ ، نمایانگر یک واحد دانشجویی، یا یک دانشجوی تمام‌وقت است. بنابراین هزینه نهایی ثابت و حدود ۳۱۹۴ پوند به قیمت‌های سال ۱۹۸۶ است. با افزایش  $Q$ ،

۱. گرنت جونز، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸.

2. Osburn

هزینه متوسط کاهش می‌یابد.<sup>۱</sup>

بررسی اندازه بهینه مؤسسات آموزش عالی در آمریکا نشان می‌دهد کالج‌هایی که با ثبت نام دانشجویان به نسبت کمتری؛ احتمالاً با فشارهای مالی روبه‌رو بوده‌اند.<sup>۲</sup> نتایج به دست آمده از یک بررسی در چین نشان می‌دهد که مؤسساتی با بیش از ۱۰۰۰ دانشجو از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس برخوردار بوده‌اند.<sup>۳</sup>

«لی»<sup>۴</sup> در یک مطالعه مقطعی، با استفاده از داده‌های ۱۴۳ کشور به الگوی مشابهی از هزینه‌های متوسط در دانشگاه‌ها و کالج‌ها دست یافت. وی نتیجه گرفت که با افزایش ثبت نام‌ها تا میزان ده هزار دانشجو، هزینه‌های متوسط به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. از این رو الگوی هزینه‌ها در آموزش عالی در میان کشورها، از شکل به نسبت باثباتی برخوردار است.<sup>۵</sup>

مقیاس و اندازه فقط یکی از عوامل تعیین کننده هزینه مؤسسات آموزش عالی است. «کامینگ»<sup>۶</sup> بر ترکیب هزینه متوسط موضوع‌های درسی، به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده هزینه‌ها، تأکید دارد. به اعتقاد او، اخذ شهریه — که براساس هزینه متوسط محاسبه می‌شود — برای انواع موضوع‌های درسی متفاوت است؛ زیرا اول اینکه اندازه کلاس‌ها متفاوت است، دوم اینکه کیفیت برخی از دروس و ارتباط میان آنها مستلزم صلاحیت و تجربه بیشتر کادر آموزشی است و سوم اینکه موضوعات درسی به سخت‌افزار و وسایل کمک آموزشی به طور یکسان نیاز ندارند.<sup>۷</sup>

براساس نظریه «باون»<sup>۸</sup> که برای تعیین هزینه‌های آموزش عالی ارائه شده است،

۱. همان، ص ۱۴۰.

2. Andrew & Friedman, 1976.

3. World Bank, 1986.

4. Lee

5. Geraint, J, 2004.

6. Cumming

۷. گرت جونز، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳.

8. Bowen

مؤسسات آموزش عالی در پی حداکثر کردن پرستیژ<sup>۱</sup> (اعتبار) خود، و نه به طور لزوم سود هستند. پرستیژ (P) تابعی از کمیت و کیفیت تدریس (T) و میزان پژوهش (R) بوده که یک مؤسسه عهده دار آن است. اما این دو نیز به صرف هزینه،  $C_r$  هزینه هر واحد تدریس و  $C_r$  هزینه هر واحد از پژوهش نیازمندند. مؤسسه برای حداکثر کردن پرستیژ خود می کوشد تا درآمد را هرچه بیشتر افزایش داده و منابع به دست آمده را هرچه بیشتر هزینه کند. از این رو هزینه های کل باید با بودجه (B) برابر باشد. در این میان توانایی ایجاد درآمد، خود نوعی محدودیت است. در نظریه «باون»، هزینه ها فقط با فشارهایی که تأمین کنندگان منابع مالی (مانند قانون گذار، شرکت های خصوصی و دانشجویان) به مؤسسه آموزشی تحمیل می کنند، محدود می شوند. مدل «باون» به صورت کمی به این شرح است:

$$P = RT \quad \text{Max} \quad (7)$$

$$c_r R + c_t T = B(p) \quad \text{S.T} \quad (8)$$

$$B(P) = P^\alpha \quad 0 \leq \alpha \leq 0.5 \quad (9)$$

که در آن:

$\alpha$ : تمایل اعطا کنندگان منابع پولی به مؤسسه است.

با استفاده از روش لاگرانژ، برای حل این مسئله، معادلات (7) و (8) به ترتیب برای

پژوهش و تدریس به صورت زیر ارائه می شود:

$$R = \left[ \frac{\left(\frac{C_r}{C_t}\right)^a}{2C_r} \right]^{\frac{1}{1-2a}} \quad (10)$$



$$T = \frac{C_r R}{C_t} \quad (11)$$

از معادله (۱۰)، رابطه میان منابع پولی و میزان فعالیت های پژوهشی و از معادله (۱۱)، رابطه میان منابع پولی و امکانات تدریس استنتاج می شود. بنابراین، پرستیژ و هزینه ها، قیودی هستند که به تمایل اعطاکنندگان منابع ( $\alpha$ ) بستگی دارند. اگر ( $\alpha$ ) به سمت ۰/۵ میل کند؛ در این صورت پرستیژ و هزینه ها به سمت بی نهایت میل می کند. چنین حالتی نشان دهنده هزینه های فزاینده یک مؤسسه آموزشی است.<sup>۱</sup> نظریه «باون» نشان می دهد که مؤسسات آموزش عالی تحت تأثیر نظم بازار - که ناشی از نظام رقابتی حاکم بر بنگاه های حداکثر کننده سود است - قرار ندارند. این مدل، پژوهش و تدریس را در برابر بازده نزولی قرار نداده؛ بنابراین هیچ محدودیت درونی بر فعالیت های مؤسسات آموزشی اعمال نمی کند.<sup>۲</sup> براساس مطالعات «برینک من»<sup>۳</sup> درباره متغیرهای تعیین کننده هزینه های متوسط آموزشی در دانشگاه های آمریکا عوامل مؤثر بر هزینه به دو گروه عمومی «متغیرهای نهاد» و «متغیرهای ستاده» تقسیم می شود. گروه اول، عواملی هستند که بدون توجه به میزان و سطح خدمات آموزشی ارائه شده و هزینه ها را تحت تأثیر قرار می دهند و گروه دوم، دربرگیرنده متغیرهایی هستند که تفاوت های موجود در کیفیت آموزش های ارائه شده را نمایان می سازند. هنگامی که متغیرهای نهاد و متغیرهای ستاده در سمت راست معادله رگرسیون قرار می گیرند، مسئله هم خطی به وجود می آید؛ زیرا نهاده ها میزان ستاده ها را تعیین می کنند. زمانی که فقط از متغیرهای نهاد، به عنوان متغیرهای توضیحی در رگرسیون هزینه متوسط استفاده می شود، عوامل ذیل (در محدوده ۵ درصد) نفوذ قابل توجهی خواهند داشت: نسبت کادر آموزشی به تعداد دانشجو، حقوق متوسط پرداخت شده به

1. Bowen, 1980.

۲. گرنت جونز، ۱۳۷۶، ص ۱۴۶.

3. Brinkman

کادر آموزشی و سطح سرانه درآمد اشخاصی که در محل استقرار دانشگاه، اسکان دارند. (این متغیر نشان می‌دهد که میزان حقوق پرداختی به کادر غیرآموزشی چه اندازه باید باشد). مورد بعد نسبت کادر غیرآموزشی به دانشجو است این مورد فقط در سطح ۱۰ درصد از اهمیت برخوردار است و همان‌گونه که انتظار می‌رود، تمام متغیرهای نهاده، هزینه متوسط را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند.

متغیرهای ستاده به کار رفته در تحلیل «برینک من»، نسبت به متغیرهای نهاده، در توضیح تغییرات هزینه متوسط، از قدرت بیشتری برخوردارند. متغیرهای ستاده - که از نظر آماری در سطح ۵ درصد معنادار بوده‌اند - عبارتند از: تعداد کل ثبت‌نام دانشجویان - که در اینجا به‌عنوان نماینده‌ای از تعداد فارغ‌التحصیلان به کار گرفته شده - نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان دانشگاه و تنوع برنامه درسی - که با تعداد رشته‌هایی به کسب یک درجه علمی منتهی می‌گردد و براساس هر ۱۰۰۰ دانشجو اندازه‌گیری می‌شود. افزایش در هر یک از این دو متغیر اخیر، موجب افزایش هزینه‌ها می‌شود. براساس نتایج بخش قبلی، متغیر مقیاس (تعداد ثبت‌نام‌ها)، هزینه‌های متوسط را به‌طور غیرخطی تحت تأثیر قرار می‌دهد. متغیر بعدی - که اهمیت پژوهش را اندازه‌گیری می‌کند و هزینه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد - مؤسساتی هستند که در امر پژوهش فعال‌ترند، این مؤسسات از هزینه متوسط بالاتری نسبت به دیگران برخوردارند؛ اما این موضوع فقط در سطح ۱۰ درصد احتمال از اهمیت برخوردار است.<sup>۱</sup>

«جونز»<sup>۲</sup> تحلیل هزینه‌ها را با به کار گرفتن رگرسیون براساس داده‌های مقطعی ۴۵ دانشگاه در بریتانیا ارائه کرده است.

براساس داده‌های به کار رفته در این مطالعه می‌توان اثر تفاوت‌های موجود در ترکیب موضوع‌های تدریس شده میان دانشگاه‌ها را بر هزینه متوسط ارزیابی کرد. براساس

۱. همان، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

2. Johnes

مطالعات «پستون»<sup>۱</sup> میان رشته های مختلف، درباره هزینه های متوسط تفاوت های اساسی وجود دارد. بنابراین دانشگاهی که فعالیت های خود را در رشته های گران قیمت تر از جمله رشته های پزشکی یا فیزیک متمرکز می کند؛ هزینه های کل بالاتری، نسبت به مراکزی خواهد داشت که فقط مجری ارائه رشته هایی مثل حقوق و حسابداری هستند.

«جونز» برای هر دانشگاه و برای تمام رشته ها یک میانگین موزون از هزینه متوسط برای هر موضوع خاص در سطح کشور محاسبه کرده است (وزن ها نسبت تعداد دانشجو در هر رشته است). بنابراین هر دانشگاه می تواند براساس ترکیبی از رشته های ارائه شده، هزینه های خود را با معیار هزینه های متوسط بسنجد. دو سوم تفاوت هزینه، میان مؤسسات آموزشی را می توان برای هر دانشجو، فقط با تفاوت هایی توضیح داد که در این متغیر مشاهده می شود.

دو متغیر دیگر که به طور قابل توجهی هزینه متوسط را تحت تأثیر قرار می دهند؛ عبارتند از: ۱. نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان و ۲. نسبت کادر آموزشی تمام وقت به دانشجو.<sup>۲</sup> براساس مطالعات «برینک من» درباره دانشگاه های آمریکا، هزینه های متوسط با هر دوی این دو متغیرهای توضیحی ارتباط مستقیمی دارد.

### جمع بندی و نتیجه گیری

ماهیت آموزش عالی به عنوان یک خدمت، جنبه خصوصی دارد و در شرایطی که دولت از ارائه آموزش، هدف اجتماعی و اقتصادی خاصی نداشته باشد، بایستی بخش خصوصی به تأسیس دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی و تربیت نیروی متخصص اقدام کند.

تجربه سایر کشورها نشان می دهد که در دو سه دهه اخیر رشد خصوصی سازی در بخش آموزش عالی در بسیاری از کشورهای جهان قابل توجه بوده است. هر چند که در

---

1. Peston

۲. همان، ص ۱۴۸.

جریان خصوصی سازی - که بنا به ضرورت پاسخ‌گویی به تقاضای زیاد در بخش آموزش عالی بوده - مؤسسات آموزش عالی خصوصی در کنار مؤسسات آموزش عالی دولتی تأسیس شده‌اند و به دلایل متعددی لزوم حمایت مستمر و اساسی دولت از آموزش عالی در کنار بخش خصوصی وجود دارد.

علاقه و تمایل دولت‌ها به خصوصی‌سازی به‌طور عمده از هزینه‌های بالا و فزاینده آموزش عالی ناشی شده است و شهریه دانشجویی و فروش کالاها و خدمات فکری می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای اعتبارات دولتی یا حداقل برای افزایش‌های بعدی در سطح اعتبارات دولتی باشد. بدیهی است ترکیبی از اعتبارات دولتی و خصوصی، نسبت به هر کدام از اعتبارات به‌طور مستقل، می‌تواند بسیج گسترده‌ای از منابع اجتماعی را فراهم کند. هر کشوری ممکن است خصوصی‌سازی را به‌انحای مختلف تأیید، تشویق و حتی اجباری نماید. یکی از فواید مسلم خصوصی‌سازی ایجاد رقابت و در نتیجه تلاش‌هایی است که برای کارآمد کردن، تعالی و تناسب بخشیدن به آموزش عالی انجام می‌شود. در این مقوله یافتن راه‌های مناسب خصوصی‌سازی، تأمین مالی و تحلیل هزینه آموزش عالی می‌تواند اتخاذ هر نوع سیاست یا انجام هر نوع اصلاحات آموزشی را ارزیابی کند و این امر در پیش‌بینی و آینده‌نگری درباره تدارک منابع مالی مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های آتی کاربرد دارد.

## منابع و مأخذ

- تسنیمی، عباسعلی و مهدی سجادی. «نقدی بر مبانی نظری خصوصی سازی مراکز آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال هفتم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۵-۴۱.
- تونز، د.ر. «خصوصی سازی در بخش آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۸۳-۲۰۶.
- جونز، گرنِت. *اقتصاد آموزش*، مترجم مصطفی عمادزاده، جهاد دانشگاهی اصفهان، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۶.
- خورشیدی، غلامحسین. *درآمدی بر اقتصاد آموزش عالی*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
- رحمان سرشت، حسین. «گرایش به خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و آموزش عالی خصوصی در جهان»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال سوم، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، ص ۷۲-۷۹.
- رضوی، حسین. *بازدهی خصوصی به بازدهی اجتماعی*، نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، جلد دوم، تهران، ۱۳۷۵.
- ساخاروپولوس، جرج و مورین و ودهان. *آموزش برای توسعه*، ترجمه پریدخت وحیدی، سازمان برنامه و بودجه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳.
- قارون، معصومه. «بررسی راه های تأمین منابع مالی دانشگاه ها»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۵، ص ۹۷-۱۴۱.
- نادری، ابوالقاسم. *اقتصاد آموزش*، یس طرون، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
- نوری نائینی، محمد سعید. «بررسی اقتصادی شهریه در آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۷۳، ص ۷۱-۹۵.
- Andrew, L.D. and Friedman, B.D, *A Study of the Causes for the Demise of Certain Small, Private Liberal Arts Colleges in the United States*, Blacksburg, Virginia Polytechnic Institute and State University, 1976.

- Bowen, H.R, *The Costs of Higher Education*, San Francisco, Jossey Bass, 1980.
- Geraint Johnes, Jill Johnes, Emmanuel Thanassoulis, Pam Lenton, Ali Enrouznejad, (2004), "An Exploratory Analysis of the Cost Structure of Higher Education in England", Lancaster University Management School.
- Lenton, Pamela, "The Cost Structure of Higher Education in Further Education Colleges in England", 2006, From [www.shef.ac.uk/economics](http://www.shef.ac.uk/economics).
- Patrinos, A. Harry, "The Privatization of Higher Education in Colombia: Effects on quality and equity", *Higher Education - Volume 20*, 1990.
- Tilak, B. G. Jandhyala, "The Privatization of Higher Education", *Higher Education-Volume 21*, 1991.
- Torres, Alberto. Carlos, "The State, Privatization and Educational Policy: A Critique of Neoliberalism in Latin America and Some Ethical and Political Implications", University of California, Los Angeles, 2000.
- Wilkinson, Roy, "Public and Private Provision of Higher Education in Malaysia: A Comparative Analysis", *Higher Education*, Volume 50, 2005.
- World Bank, *China: Management and Finance of Higher Education*, Washington, D.C, World Bank, Report by R. Drysdale, W. Middleton and W. Pierpont, 1986.